

اثربخشی برنامه آموزش والدین بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری

سوسن علیزاده فرد^۱، طیبه محتشمی^۲ و معصومه تدریس تبریزی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مادران، بر افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری و کاهش استرس والدگری مادران آنهاست. این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. ۳۴ نفر از مادران کودکان دارای ناتوانی یادگیری شهر مشهد با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. پرسشنامه‌ی استرس والدگری آبدین و مهارت‌های اجتماعی ماتسون به‌عنوان پیش‌آزمون اجرا شد. سپس مادران گروه آزمایش ۱۲ جلسه در برنامه‌ی آموزش والدین شرکت کردند. بعد از اجرای پس‌آزمون، اندازه‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون با روش آماری تحلیل کوواریانس مورد مقایسه قرار گرفت. یافته‌ها نشان دهنده‌ی کاهش معنادار استرس والدگری مادران و افزایش معنادار مهارت‌های اجتماعی کودکان آنها در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل است. این یافته‌ها اثربخشی برنامه آموزش والدین در کاهش استرس مادران و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری را مورد تأیید قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ی آموزش والدین، استرس والدگری، مهارت‌های اجتماعی، ناتوانی یادگیری

(salizadehfard@gmail.com)

۱. نویسنده‌ی رابط: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۶

مقدمه

در بین اختلال‌های رشدی دوران کودکی، یکی از فراوان‌ترین اختلال‌هایی که تشخیص گذاشته می‌شود، اختلال‌های یادگیری است (مول، کانز، نئوهاف، برودر و اسکالت-کورن^۱، ۲۰۱۴). طبق راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی ویرایش پنجم (DSM-5)^۲ اختلال یادگیری به عنوان اختلال یادگیری خاص^۳ تغییر نام داده و اختلال خواندن، اختلال نوشتن و اختلال ریاضی که در قبل به صورت طبقه‌های مجزا در این اختلال تعریف می‌شدند، اکنون به عنوان یک مشخص‌کننده در اختلال یادگیری خاص گنجانیده شده‌اند. اختلال‌های یادگیری خاص عبارت است از اختلال در یک یا چند فرایند اساسی روان‌شناختی که در فهم یا کاربرد زبان گفتاری یا نوشتاری ایجاد مشکل کرده و ممکن است به صورت توانایی ناقص در گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن کلمه‌ها یا محاسبه‌های ریاضی ظاهر گردد (پورعبدل، صبحی قراملکی و عباسی، ۱۳۹۴). شیوع اختلال‌های یادگیری خاص در حوزه‌های تحصیلی خواندن، نوشتن و ریاضیات در میان کودکان دبستانی در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف از ۵ تا ۱۵ درصد و شیوع آن در بزرگسالان نامعلوم است و به نظر می‌رسد، حدود ۴ درصد باشد (DSM-V، ۲۰۱۳). در فراتحلیلی بر روی پژوهش‌های انجام شده در ایران، میزان شیوع اختلال‌های یادگیری در مقطع ابتدایی، ۴/۵۸ درصد گزارش شده است که پسرها ۱/۱ تا ۲/۲ درصد بیش از دخترها مبتلا به این اختلال‌ها هستند (زارع، بهرام‌آبادی و گنجی، ۱۳۹۳).

ناتوانی‌های یادگیری می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. این ناتوانی می‌تواند فعالیت روزمره‌ی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا حافظه، استدلال و توانایی حل مسأله در این کودکان دچار مشکل است. در واقع این اختلال می‌تواند، مشکل‌هایی را در حیطه‌ی اجتماعی، هیجانی و

1. Moll, Kunze, Neuhoff, Bruder, Schulte-Korne
2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition
3. Specific learning disorder
4. Freilich & Shechtman

تحصیلی برای کودک فراهم کند (فریلیچ و شتمن، ۲۰۱۰). افزون بر این رابطه‌های اجتماعی یا کنش‌وری هیجانی نیز می‌تواند از این ناتوانی یادگیری تأثیر بپذیرد و موجب خطاهایی در رفتار، تفکر و بدفهمی رفتار دیگران شود. نتایج پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که این کودکان در مهارت‌های بین‌فردی (واینر^۱، ۲۰۰۴) و سازگاری اجتماعی (آلیاگان و میکولینسر^۲، ۲۰۰۴) مشکل دارند. همچنین با توجه به مشکل‌های تحصیلی که این کودکان دارند، میزان ترک مدرسه آنها در دوران نوجوانی ۱/۵ برابر حد متوسط می‌باشد (ماندنی، سازمند، فرهید، کریملو و ماندنی، ۱۳۸۶). بنابراین کودکان دارای اختلال یادگیری با توجه به شکست‌های مکرر و مداوم تحصیلی نسبت به مشکلات رفتاری و اجتماعی آسیب‌پذیرتر هستند و طبق پیشینه‌ی پژوهش‌هایی، در مقایسه با کودکان عادی سطح بالایی از مشکل‌های رفتاری (اعم از مشکل‌های درونی‌سازی شده و برون‌سازی شده) و مشکلات اجتماعی-هیجانی از جمله نقص در پردازش داده‌های اجتماعی، طبقه‌های بالای طرد اجتماعی و تنهایی و مهارت‌های بین‌فردی ضعیف را از خود نشان می‌دهند (کلاسن و لینچ^۳، ۲۰۰۷؛ سیدریدیس^۴، ۲۰۰۷؛ آوریچ، گراس-تسیر، مانور و شالوو^۵، ۲۰۰۸؛ شهیم، ۱۳۸۲؛ سلیمانی، زاهدبابلان، فرزانه و ستوده، ۱۳۹۱). بنابراین توجه به کودکان دارای اختلال یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است.

از طرفی پیشینه‌ی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های صاحب کودک استثنایی (دچار ناتوانی) دارای استرس و بحران‌های روانی بوده و وجود کودک ناتوان، سازش یافتگی و سلامت جسمی و روانی آنها را تهدید می‌کند. این پژوهش نشان داده است که خانواده‌های دارای کودک ناتوان نسبت به خانواده‌های کودکان عادی سطوح بالاتری از استرس را تجربه می‌کنند (دمسی،

1. Wiener
2. Al-Yagon & Mikulincer
3. Klassen & Lynch
4. Sideridis
5. Auerbach, Gross-Tsur & Manor Shalev

کین، پنییل، اریلی و نیلند^۱؛ ۲۰۰۹؛ دابروسکا و پیسولا^۲، ۲۰۱۰)، به عبارتی دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که استرس والدین چندین علت دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به عملکرد ضعیف کودک و مشکل‌های رفتاری کودک اشاره کرد (آسبرگ^۳، ۲۰۰۸). این دو ویژگی در کودکان دارای اختلال یادگیری نیز مشاهده می‌شود. بنابراین این کودکان به والدین خود استرس بیشتری به غیر از استرس معمول والدگری، وارد می‌کنند. بنابراین اختلال‌های یادگیری در کودکان، پیوند بین والد و کودک را دستخوش تغییر می‌نماید، زیرا والدینی که کودک دارای اختلال یادگیری دارند، دچار مشکل‌های فراوانی می‌شوند و این موضوع رابطه‌ی صمیمانه و مراقبتی والد - کودک را دستخوش مشکل‌های زیادی می‌کند (سینگر^۴، ۲۰۰۶). در واقع تنیدگی والدین روش‌های والدگری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که به طور مستقیم رفتار مقابله‌ای و پرخاشگرانه کودک را افزایش می‌دهد. لذا همان‌گونه که والدین روی رشد کودک تأثیر دارند، رشد کودک و ویژگی‌های او نیز بر کارکرد خانواده موثر است (آلتیر و کلاگ^۵، ۲۰۰۹). در این حالت، از جمله بهترین اقدام‌هایی که می‌تواند موثر باشد، مداخله‌ی والدین است که از پیشینه‌ی پژوهشی و تجربی خوبی نیز برخوردار است. شورای ملی تحقیقات^۶ (NRC) خانواده را جزء کلیدی هر درمان محسوب می‌کند (۲۰۰۱؛ به نقل از روبلی و اکشوموف^۷، ۲۰۱۰)، از طرفی اسکوپلر و مسیبو^۸ (۱۹۸۴) والدین را به عنوان عمیق‌ترین منبع دانش در مورد کودکان‌شان معرفی می‌کنند. استفاده از برنامه‌های آموزش والدگری از دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز شده است و در حال حاضر به شیوه‌های متنوعی ارائه می‌گردند؛ به عنوان مثال گاویتا و جویس^۹ (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که برنامه‌های

1. Dempsey, Keen, Pennell, O'Reilly & Neilands
2. Dabrowska & Pisula
3. Asberg
4. Singer
5. Altieri & Kluge
6. National Research Council
7. Ruble & Akshoomoff
8. Schopler & Mesibov
9. Gavita, & Joyce

آموزشی والدگری بر کاهش مشکل‌های رفتاری کودکان و بهبود سلامت روانی مادران نقش موثری دارد. همچنین اسپیکرز، جنسن، میر و ریینولد^۱ (۲۰۱۰) طی مطالعه‌ای بیان کردند که آموزش برنامه‌ی والدگری در ارتقاء رضایت، کارآمدی و صلاحیت والدین و کاهش مشکل‌های عاطفی و رفتاری کودکان موثر است. همچنین این برنامه مداخله‌ای روی بهبود صلاحیت و سلامت روانی والدین اثر مثبت داشته و تعامل والدین و کودک نیز افزایش داده است. در واقع پژوهش‌های اخیر همگی تأیید می‌کنند که آموزش والدین موجب دگرگونی‌های مثبتی در کاهش مشکل‌های رفتاری کودکان (کوپ^۲، ۲۰۰۷؛ برادلی^۳، ۲۰۰۳) و افزایش اعتماد به نفس، حس تعلق، خودکارآمدی و مشارکت اجتماعی (داگلی^۴ و همکاران، ۲۰۰۸؛ لیزهارتز و لیت تینک^۵، ۲۰۱۱) می‌شود. در ایران نیز برنامه‌های آموزش، آموزش والدین از اثربخشی مطلوبی برخوردار است؛ به عنوان مثال شهرکی‌پور، کریم‌زاده و کرامتی (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای نشان دادند که برنامه و مدل آموزش خانوادگی به مادران کودکان دارای اختلال یادگیری، سبب کاهش تنیدگی، افسردگی و انزوای اجتماعی و بهبود احساس صلاحیت و سلامت روانی مادران شده است. بنابراین طبق پیشینه‌ی پژوهشی، وقتی والدین تحت آموزش قرار می‌گیرند، استرس شان پایین آمده (هستینگ^۶، ۲۰۰۳؛ اسمیت، باچ و گمبی^۷، ۲۰۰۰؛ هستینگ و بک^۸، ۲۰۰۴) و خودکارآمدی بالاتری به دست می‌آورند (ایوانس، بوتروید، آرمسترانگ، گرینبوم، براون و کاپینگر^۹، ۲۰۰۳؛ بریسون، کیل، کوگل، اپندن، اسمیت و نفدت^{۱۰}، ۲۰۰۷) و از آن جایی که ارتباط والد-کودک یک ارتباط دوسویه است، هرگونه تغییری در

1. Spijkers, Jansen, Meer & Reijneveld
5. Kopp
3. Bradley
4. Dagley
5. Liz Hartz & Lynette Thick
6. Hastings
7. Smith, Buch & Gamby
8. Beck
9. Evans, Boothroyd, Armstrong, Greenbaum, Brown & Kuppinger
10. Bryson, Keel, Koegel, Openden, Smith & Nefdt

حالت‌های روانی والدین بر روی حالات روانی کودک نیز موثر است. در دهه‌های اخیر حمایت از خانواده‌هایی که کودک معلول یا استثنایی دارند، اهمیت حیاتی پیدا کرده است، زیرا پژوهش‌ها که تحقیقات نشان داده که حمایت از این خانواده‌ها روی خانواده و کودک نتایج مثبتی داشته است (دمسی و کین، ۲۰۰۸). همچنین با توجه به مزیت‌های آموزش والدین و اهمیت پیامدهای اجتماعی اختلال یادگیری در کودکان و والدین آنها، ضرورت آموزش والدین برای این کودکان احساس می‌شود و از آن جایی که بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در ایران، بر روی اختلال بیش‌فعالی-کمبود توجه متمرکز است. و به طور مستقیم برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر کاهش استرس والدینی مورد پژوهش قرار نگرفته است، لذا پژوهش حاضر سعی دارد که برنامه آموزش والدین را بر مهارت‌های اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال یادگیری، مورد پژوهش قرار دهد و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا این آموزش بر بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای اختلال یادگیری، مؤثر است؟

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش طرح نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و همراه با گروه کنترل بوده است. برنامه‌ی آموزش مادران به عنوان متغیر مستقل و استرس والدگری مادران و مهارت‌های اجتماعی کودکان به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند. **جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری:** جامعه‌ی این پژوهش را مادران و دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی (پایه سوم تا پنجم) مراجعه‌کننده به مراکز مشکل‌های یادگیری شهر مشهد تشکیل می‌دهند. بورگ و گال^۱ (۲۰۰۶) قاعده‌ای را پیشنهاد کرده‌اند که طبق آن برای پژوهش‌های آزمایشی و شبه آزمایشی، تعداد ۱۵ نفر برای هر یک از گروه‌های آزمایش و گواه پیشنهاد شده است (سیماریان، سیماریان، ابراهیمی‌قوام و کریمی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر با احتساب احتمال افت آزمودنی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۳۴ زوج مادر و دانش‌آموز

1. Borg & Gall

دارای اختلال یادگیری انتخاب شدند. این افراد بر اساس درخواست شخصی در دو گروه ۱۷ نفری جایگزین گشتند و از همین رو ماهیت پژوهش به شکل نیمه آزمایشی درآمد. مادران در این دو گروه بر اساس سن، تحصیلات، شغل و تعداد فرزند هم‌تا شدند. به طوری که همگی ۲۵ تا ۴۰ ساله، حداقل دارای مدرک تحصیلی دیپلم، خانه دار و دارای ۱ تا ۳ فرزند بودند. بنابراین مادران شاغل، مادران با مدرک‌های زیر سیکل، مادران دارای کودکانی با معلولیت جسمانی و روانی، مادران دارای بیماری‌های جسمانی و روانی، مادران مطلقه، دارای ازدواج مجدد و فوت همسر و مادرانی که طی یک سال اخیر رویدادهای تنیدگی زای خارج از چارچوب نظام والد-کودک برای خانواده را تجربه کرده بودند و بیش از سه فرزند داشتند، از جامعه‌ی مورد بررسی حذف شدند. در این پژوهش از دو ابزار استفاده شد که در ادامه به معرفی هر یک پرداخته می‌شود.

مهارت‌های اجتماعی ماتسون^۱: این مقیاس در سال ۱۹۸۳ توسط ماتسون و همکاران برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ سال تدوین گردیده و دارای ۶۲ عبارت است که مهارت‌های اجتماعی کودکان را توصیف می‌کند. پاسخ‌ها بر اساس یک شاخص پنج درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه‌ی یک تا پنج (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. برای این مقیاس، پنج خرده مقیاس وجود دارد که شامل مهارت اجتماعی مناسب (مانند داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مؤدب بودن و اشتیاق به تعامل با دیگران)، جسارت نامناسب (مانند دروغ، کتک زدن، خرده گرفتن از دیگران، صداهای نابهنجار و آزاردهنده، زیر قول زدن)، رفتارهای تکانشی (مانند به آسانی عصبانی شدن، از کوره در رفتن و لجبازی) و اطمینان زیاد به خود داشتن (مانند پز دادن، فخرفروشی، تظاهر به دانستن و خود برتری‌بینی) حسادت/گوشه‌گیری (تنهایی و حسادت) است (کشمیری، ۱۳۸۸). یوسفی و خیر (۱۳۸۱) این مقیاس را در ایران تعیین روایی و پایایی کرده‌اند. در این پژوهش روایی مقیاس یاد شده با استفاده از روایی سازه و روش تحلیل عاملی و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ (با ضریب ۰/۸۶) بررسی و

1. Matson

کاربرد آن برای جامعه‌ی ایرانی تأیید شده است.

شاخص استرس والدین^۱ (PSI): این مقیاس توسط آبدین (۱۹۹۰) ساخته شد و پرسشنامه‌ی است که بر اساس آن می‌توان اهمیت استرس در نظام والدین - کودک را ارزشیابی کرد. این پرسشنامه دارای ۱۰۱ سؤال است و شیوه‌ی نمره‌گذاری به شیوه‌ی لیکرت، بر حسب پاسخ‌های ۱ تا ۵ (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) انجام می‌شود و نمره کلی آن برآوردی از میزان استرس والدین در امر تربیت فرزندان و برخورد با ضرورت‌های فرزند پروری، به دست می‌دهد. این مقیاس دارای زیر مقیاس‌های قلمرو کودکی، سازش‌پذیری، پذیرندگی، فزون‌طلبی، خلق، بی-توجهی - فزون‌کنشی، تقویت‌گری، قلمرو والدین، افسردگی، دلبستگی، محدودیت‌های نقش، حس صلاحیت، انزوای اجتماعی، ارتباط با همسر و سلامت والدین است. دادستان، ازغندی و حسن‌آبادی (۱۳۸۵) این مقیاس را در ایران به کار گرفته و نتایج پژوهش آنها کاربری آن را برای جامعه‌ی ایرانی تأیید کرده است. در بررسی دادستان و همکاران (۱۳۸۵) ضریب قابلیت اعتماد همسانی درونی ابزار برای کل مقیاس ۰/۸۸ و ضریب قابلیت اعتماد بازآزمایی با فاصله‌ی ۱۰ روز، ۰/۹۴ به دست آمد. پایایی نمونه‌ی ایرانی با آلفای کرونباخ نیز حداقل ضریب ۰/۷۹ بوده است.

روش اجرا: در هر دو گروه، پیش‌آزمونی برای تعیین میزان استرس والدگری مادران و مهارت‌های اجتماعی کودکان آنها اجرا شد. سپس مادران گروه آزمایشی طی دوازده جلسه ۲ ساعته (هر هفته بین یک یا دو جلسه و در مجموع حدود دو ماه) آموزش دیدند. ولی مادران گروه کنترل در این مدت هیچ برنامه آموزشی نداشتند. محتوای برنامه از برنامه آموزش والدین بارکلی^۲ (۱۹۹۷) و سینگر و آلدانا^۳ (۲۰۰۷) اقتباس شده و بر اساس مشکل‌های اجتماعی کودکان دارای اختلال‌های یادگیری، تدوین گردید. در ادامه خلاصه اقدام‌های آموزشی در هر جلسه آورده شده است:

1. Abidin
2. Barkley
3. Singer & Aldana

جلسات	محتوای جلسه‌ها
اول	دانسته‌های ضروری در مورد ماهیت اختلال‌های یادگیری و بررسی نشانه‌های منفی آن از دو جنبه‌ی کودک و خانواده. بحث درباره نشانه‌های روان‌شناختی و استرس‌زا بر خانواده و به ویژه مادران؛ و بحث درباره نشانه‌های منفی بر اعتماد به نفس کودک و مشکل‌های اجتماعی این اختلال برای کودکان.
دوم	آشنایی با استرس و روش‌های مقابله با آن و کنار آمدن با مشکل‌های کودک در دراز مدت
سوم	آموزش تمرین‌های آرمیدگی برای کاهش استرس مادران
چهارم	نقش و اهمیت توجه والدین بر رفتارهای کودک، اصول برقراری رابطه‌های انسانی با کودک، تقویت رابطه‌ی والد-کودک و بیان اصول شکل دهی رفتار و تقویت کننده‌ها
پنجم	تقویت کننده‌های مثبت، تشویق، تکنیک‌های کلامی مثبت، توجه مثبت به رفتارهای مثبت و نادیده انگاری رفتارهای نامناسب کودک، آموزش روش اقتصاد ژتونی
ششم	تقویت کننده‌های منفی، آموزش مهارت نادیده گرفتن رفتارهای نامناسب کودک، استفاده از روش جریمه، روش محروم سازی و بازگیری پاداش، تفاوت تنبیه و تقویت منفی، نشانه‌های منفی تنبیه
هفتم	آموزش مهارت‌های حل مسأله‌ی اجتماعی برای مادر و کودک
هشتم	آموزش مهارت کنترل هیجان برای مادر و کودک
نهم	آموزش و مدیریت مهارت‌های اجتماعی مناسب کودک در منزل همراه با آموزش ثبت و روش‌های امتیازدهی
دهم	آموزش و مدیریت مهارت‌های اجتماعی مناسب کودک در مدرسه همراه با آموزش ثبت و روش‌های امتیازدهی
یازدهم	آموزش و مدیریت مهارت‌های اجتماعی مناسب کودک در موقعیت‌های عمومی همراه با آموزش ثبت و روش‌های امتیازدهی
دوازدهم	مرور مبحث‌های قبل و چگونگی مقابله با مشکل‌ها در آینده

پس از پایان دوره آموزش، دوباره میزان استرس والدگری مادران و مهارت‌های اجتماعی کودکان آنها، اندازه‌گیری شد. جهت بررسی اثربخشی دوره آموزشی این نتایج با یافته‌های خط پایه مورد مقایسه قرار گرفت. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS ویرایش ۱۸ استفاده شده است.

نتایج

ابتدا نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و گواه بررسی و آماره‌های توصیفی

اثربخشی برنامه آموزش والدین بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری

مربوط به متغیرها استخراج گردید که در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف متغیرهای پژوهش در گروه‌های کنترل و آزمایش در پیش آزمون و پس آزمون

پس آزمون		پیش آزمون		گروه‌ها	متغیرها
SD	M	SD	M		
۱۰/۳۱	۱۲۸/۳۵	۸/۳۰	۱۴۰/۲۹	آزمایش (n=۱۷)	استرس والدین
۷/۶۹	۱۳۶/۵۸	۸/۶۱	۱۳۶/۹۴	کنترل (n=۱۷)	
۲۰/۲۶	۱۶۹/۱۱	۱۸/۱۶	۱۵۴/۱۱	آزمایش (n=۱۷)	مهارت‌های اجتماعی
۲۰/۲۹	۱۵۲/۱۱	۲۱/۴۵	۱۵۱/۵۲	کنترل (n=۱۷)	

با بررسی اجمالی جدول ۱ درمی‌یابیم که نمره‌های گروه آزمایش در پس آزمون هر دو متغیر تغییر کرده است. به طوری که در پس آزمون، نمره‌های استرس والدگری مادران کاهش و نمره‌های مهارت‌های اجتماعی کودکان افزایش داشته است.

در ادامه با استفاده از نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع نمرات، آزمون لون برای تساوی واریانس‌ها و همگنی رگرسیون، پیش فرض‌های لازم جهت استفاده از آزمون‌های پارامتریک تأیید شده و سپس داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس تک متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جدول ۲ و ۳ نتایج تحلیل کوواریانس برای کودکان و مادران آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر برنامه آموزشی بر استرس والدگری مادران

منبع تغییرات	SS	df	F	P	Eta
عضویت گروهی	۱۰۶۰/۹۴۸	۱	۵۴/۲۸۹	۰/۰۰۰	۰/۶۳۷
خطا	۶۰۵/۸۲۱	۳۱			
کل	۵۹۹۸۷۴/۰	۳۴			

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، یافته‌ها حاکی از آن است که با کنترل اثر پیش‌آزمون، عضویت در گروه مادران گروه آزمایش در سطح $P < ۰/۰۰۰۱$ معنادار بوده است. این

یافته نشان می‌دهد که برنامه‌ی آموزشی مادران توانسته، موجب شود تا استرس والدگری مادران به طور معناداری کاهش دهد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر برنامه آموزشی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان

منبع تغییرات	SS	df	F	p	Eta
عضویت گروهی	۱۷۶۶/۴۳۹	۱	۶۲/۹۷۱	۰/۰۰۰۱	۰/۶۷۰
خطا	۸۶۹/۶۰۳	۳۱			
کل	۸۹۲۷۴۷/۰	۳۴			

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، یافته‌ها حاکی از آن است که با کنترل اثر پیش‌آزمون، عضویت در گروه کودکان متعلق به مادران گروه آزمایش در سطح $P < ۰/۰۰۰۱$ معنادار بوده است. این یافته نشان می‌دهد که برنامه آموزشی مادران توانسته، موجب شود تا مهارت‌های اجتماعی کودکان را به طور معناداری افزایش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه اکثر بحث‌هایی که پیرامون رابطه‌ی والد- کودک وجود دارد، تاکید می‌کنند که بین توانایی، خلق و ویژگی‌های روان‌شناختی والد و کودک رابطه‌ی تعاملی آشکاری وجود دارد (آلتیر و کلاگ، ۲۰۰۹ و دادستان، ۱۳۸۶). نتایج این پژوهش نیز نشان داد که برنامه‌ی آموزش والدین، اول اینکه بر خود مادران تأثیر گذاشته و موجب شده تا استرس آنها در این رابطه کاهش یابد و دوم، موجب دگرگونی‌های مثبت در کودکان آنها شده و مهارت‌های اجتماعی آنان را افزایش داده است. در ادامه به تبیین هر یک از این نتایج می‌پردازیم.

نتایج مندرج در جدول‌های آماری نشان می‌دهد که برنامه‌ی آموزشی موجب شده تا استرس والدگری این مادران کاهش یابد. این یافته‌ی پژوهشی با پژوهش‌های گاویتا و جویس (۲۰۰۸)، اسپیکرز و همکاران (۲۰۱۰)، شهرکی پور و همکاران (۱۳۸۸)، هستینگ (۲۰۰۳)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۰)، هستینگ و بک (۲۰۰۴)، ایوانس و همکاران (۲۰۰۳) و بریسون و همکاران (۲۰۰۷) در زمینه‌ی آموزش مدیریت استرس به والدین کودکان دارای اختلال، منطبق و همسو

می‌باشد. کاهش استرس والدگری در این پژوهش می‌تواند، اول ناشی از کسب آگاهی و دستیابی به مهارت‌های کنترل رفتار کودک باشد. توانایی کنترل رفتار و عملکرد کودکان موجب شده تا مادران، ویژگی‌های کودک خود را کمتر استرس‌آور تلقی کنند. دوم نتایج رفتاری مثبت در کودکان سبب شده تا چرخه‌ی معیوب رابطه‌ی والد-کودک بهبود یافته و استرس ناشی از بدرفتاری‌های کودکان کاهش یابد. و سوم این که افزایش کارآمدی و اعتماد به نفس مادری کردن است. قدرت کنترل و اثرگذاری مثبت بر کودک، اعتماد به نفس والدگری و خودکارآمدی را افزایش داده و مادران با اعتماد به توانایی‌های والدگری شان، ایفای نقش مادری را کمتر استرس‌زا می‌بینند.

همچنین کاهش استرس والدگری می‌تواند ناشی از اجرای گروهی برنامه و حضور مادران در این کارگاه و برقراری ارتباط با سایر اعضای کارگاه باشد. این والدین اغلب از حمایت دوستان، خویشاوندان و سایر حمایت اجتماعی برخوردار نبوده و تلاش آنها در ایفای نقش والد از حمایت‌های لازم برخوردار نمی‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سطح بالای استرس، احتمال بدرفتاری با کودک را بیشتر می‌کند، در حالی که با افزایش حمایت‌های اجتماعی سطح استرس و احتمال بدرفتاری با کودک نیز کاهش می‌یابد (استورا^۱، ۱۳۷۷). از جمله مصادیق این حمایت‌های اجتماعی، شرکت در گروه‌های حمایتی همچون کارگاه‌های آموزشی و ارتباط با سایر اعضای گروه می‌باشد که در واقع با مشکل مشابهی روبرو هستند. بنابراین برنامه‌ی آموزشی توانسته تا این نقش حمایتی را ایفا کند.

از سوی دیگر نتایج مندرج در جدول‌های آماری نشان می‌دهد که برنامه‌ی آموزشی موجب شده تا مهارت‌های اجتماعی کودکان این مادران، افزایش یابد. در تبیین افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان در این پژوهش می‌توان اول به بهبود رابطه‌ی والد-کودک اشاره نمود. مبانی برنامه آموزشی بر اهمیت توجه والدین بر رفتارهای کودک و اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با

کودک در کنار تاکید بر توجه مثبت به رفتارهای مثبت و نادیده انگاری رفتارهای نامناسب، تقویت‌کننده‌های مثبت، تشویق و تکنیک‌های کلامی مثبت همگی موجب بهبود رابطه‌ی والد-کودک خواهند شد. این یافته پژوهشی با پژوهش‌های آموری (۲۰۰۷)، کارلا (۲۰۰۲) و جیل (۲۰۰۲) در زمینه‌ی رابطه‌ی والدین با کودک و تأثیر آن بر رفتار کودکان منطبق و همسو می‌باشد. مشکل‌های اجتماعی منجر به خودناتوان بینی و کاهش اعتماد به نفس در این کودکان شده که با بهبود رابطه مادر و کودک و برقراری نظام تقویت مثبت، ترمیم خواهد شد. این رابطه می‌تواند الگویی برای سایر روابط اجتماعی کودک شود. والدین و خانواده اولین و مهمترین محیط اجتماعی را برای کودک فراهم می‌سازد که با بهبود این فضا، کودک به سایر موقعیت‌های اجتماعی نیز اعتماد نموده و ارتباط‌های اجتماعی خود را بهبود می‌بخشد.

دوم اینکه آموزش مهارت‌های حل مسأله و کنترل هیجان باعث شده تا کودک در موقعیت‌های اجتماعی بتواند با مهارت بیشتری ظاهر شود. این یافته‌ی پژوهشی با پژوهش‌های برگ (۱۹۸۲)، نرسون (۱۹۹۱)، کرتیس و الیوت (۲۰۰۸) و لمیش و اسکات (۲۰۰۸) در زمینه‌ی آموزش مهارت‌های حل مسأله اجتماعی و کنترل هیجان و تأثیر آن بر رفتار کودکان منطبق و همسو می‌باشد. در واقع این مهارت‌ها، پایه و اصل برقراری یک رابطه‌ی اجتماعی سالم خواهند شد. دنهام و المدی^۱ (۱۹۸۷) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که آموزش به نحو چشمگیری سبب کاهش رفتارهای خشونت آمیز و افزایش رفتارهای جامعه‌پسندانه خواهد شد. این مهارت‌ها به کودک کمک می‌کند تا در برقراری ارتباط با خود و دیگران، تصمیمی مناسب اتخاذ نماید. فری^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیق خود دریافتند که اگر کودکی در ارتباط عاطفی و کنترل هیجانی خود ناکام بماند، انطباق اجتماعی وی در مراحل رشدی دچار مشکل خواهد شد.

ریف (۱۹۹۰) معتقد بود که آموزش حل مسأله اجتماعی، در برابر رویدادهای منفی مثل سپر عمل خواهد کرد. از طرف دیگر، توانایی حل مسأله اجتماعی با میزان اعتماد به نفس و کانون شاهد

1. Almedia & Denham

2. Frey

درونی رابطه‌ی مثبت و با بروز رفتارهای مشکل ساز رابطه‌ی منفی دارد (لطیفی و همکاران، ۱۳۸۸). در واقع مهمترین ویژگی کودکان دارای ناتوانی یادگیری، نقص در فراگیری است. آنها مهارت‌های اجتماعی را به طور ضمنی یاد نمی‌گیرند و یا در انجام مهارت‌هایی که در قبل یاد گرفته‌اند، توانا ظاهر نمی‌شوند. بخصوص توانایی آنها در فهم جنبه‌های غیر کلامی و کارکردهای شناختی با مشکل‌های جدی روبه رو است. بنابراین آموزش مهارت‌های اجتماعی به آنان مستلزم توجه، دقت و حساسیت خاصی است که در این پژوهش مادران برای آن آماده شده‌اند. همچنین بخش مهمی از برنامه آموزشی شامل آموزش و مدیریت مهارت‌های اجتماعی مناسب کودک در منزل، مدرسه و موقعیت‌های عمومی بود که مادران را کمک می‌کرد تا مهارت‌های اجتماعی مناسب را به کودک آموزش داده و عملکرد آنها را مدیریت نمایند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه بود؛ از جمله این که جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان و مادران دانش‌آموزان دختر مراجعه‌کننده به مراکزهای مشکل‌های یادگیری شهر مشهد بود که امکان تعمیم نتایج به سایر دانش‌آموزان در مقاطع و شهرهای دیگر با احتیاط روبه رو است. همچنین با توجه به محدودیت زمان تحصیلی دانش‌آموزان، عدم پیگیری نتایج از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با احتساب محدودیت‌های ذکر شده طراحی و تنظیم گردد.

منابع

- استورا (۱۳۷۷). تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن. ترجمه پریخ دادستان (۱۳۷۷). تهران: انتشارات رشد.
- پورعبدل، سعید؛ صبحی قراملکی، ناصر و عباسی، مسلم. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی اهمال‌کاری تحصیلی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان با و بدون اختلال یادگیری خاص. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۴(۳)، ۲۲-۳۸.
- دادستان، پریخ؛ احمدی ازقندی، علی و حسن‌زاده، حمیدرضا. (۱۳۸۵). تنیدگی والدین و سلامت عمومی. *مجله‌ی روان‌شناسی ایران*، ۲(۷)، ۱۸۴-۱۷۱.

زارع بهرام‌آبادی، مهدی و گنجی، کامران. (۱۳۹۳). بررسی شیوع اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی و همبودی آن با اختلال یادگیری در دانش‌آموزان دبستانی. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۳(۴)، ۲۵-۴۳.

سلیمانی، اسماعیل؛ زاهد بابلان، عادل؛ فرزانه، جبرائیل؛ ستوده، محمدباقر. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی نارسایی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و بهنجار. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۱)، ۷۸-۹۳.

سیماریان، قاسم؛ سیماریان، کوثر؛ ابراهیمی‌قوام، صغری و کریمی، یوسف. (۱۳۸۹). آموزش خودکنترلی بر کاهش سهل‌انگاری نوجوانان. *فصلنامه‌ی انجمن روان‌شناسی ایران*، ۴، ۴۵۳-۴۵۱.

شهرکی پور، حسن؛ کریم زاده، صمد و کرامتی، مهین. (۱۳۸۸). بررسی اثر آموزش زندگی خانوادگی در کاهش تنیدگی والدینی مادران دارای کودکان اختلال یادگیری در خواندن و نوشتن. *فصلنامه‌ی اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۳(۴)، ۴۷-۶۲.

شهیم، سیما. (۱۳۸۲). مقایسه مهارت‌های اجتماعی و مشکل‌های رفتاری در دو گروه از کودکان عادی و مبتلا به اختلال‌های یادگیری در خانه و مدرسه. *مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۳(۱): ۱۳۸-۱۲۱.

کشمیری، معصومه. (۱۳۸۸). مقایسه‌ی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی. *مجله‌ی تعلیم و تربیت استثنائی*، ۹۵ و ۹۶، ۳۱-۲۳.

لطیفی، زهره؛ امیری، شعله؛ ملک پور، مختار و مولوی، حسین. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش حل مساله شناختی - اجتماعی بر بهبود ارتباط‌های بین فردی تغییر رفتارهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۱(۳)، ۸۴-۷۰.

ماندنی، بتول؛ سازمند، علی حسین؛ فرهید، مژگان؛ کریملو، مسعود و ماندنی، ماشالله. (۱۳۸۶). تأثیر مداخله‌های کاردرمانی بر مهارت‌های بنیادی - حرکتی کودکان دارای اختلال ویژه‌ی یادگیری در مقطع ابتدایی. *مجله‌ی توانبخشی*، ۸(۲)، ۴۴-۴۹.

یوسفی، فریده و خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه‌ی عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس. *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۳۶، ۱۴۷-۱۵۸.

Abidin, R. (1990). Introduction To The Special Issue:the Stresses of Parenting. *Journal of Clinical Child Psychology*, 19, 298-301.

- Altieri, M.J., & Kluge S. V. (2009). Family functioning and coping behaviors in parents of children with Autism. *Journal of Child and Family Studies*, 18(1), 83–92.
- Al-Yagon, M., & Mikulincer, M. (2004). Patterns of close relationships and socioemotional And academic adjustment among school-age children with learning disability. *Learning Disabilities Research & Practice*, 19(2), 12–19.
- Amaury, S. R. (2007). *The effect of social skill instruction on sport and game related behaviors of children and adolescents with emotional or behavioral disorders*. Unpublished doctoral dissertation, University of Ohio.
- Åsberg, K. K., Vogel, J.J. & Boewrs, C.A. (2008). Exploring correlates and predictors of stress in parents of children who are deaf: implications of perceived social support and mode of communication. *Journal of child and family studies*, 17(4), 86-99.
- Auerbach, J. G., Gross-Tsur, V., Manor, O., & Shalev, R.S. (2008). Emotional and Behavioral characteristics over a six year period inyouths with persistentand non persistent dyscalculia. *JournalofLearningDisabilities*, 41, 263–273.
- Barkley, R. *Defiant Children: A Clinician’s Manual for Assessment and Parent training*, 2nd Ed. Guilford, New York; (1997).
- Bennerson, D. T. (1991). *The effects of an interpersonal problem solving skills training Program for young children with learning disabilities*. Unpublished doctoral dissertation, University of Miami.
- Berg, F. L. (1982). *Psychological characteristics related to social problem solving in learning Disabled children and their nondisabled peers*. Unpublished doctoral dissertation, University of Michigan,Michigan.U.S.A.
- Bradley,S.J(2003). *Affect Regulation and the Development of Psychopathology* .New York. The Guilford press.
- Bryson, S. E., Keel, L. K., Koegel, R. L., Openden, D., Smith, I. M., & Nefdt, N. (2007). Large scale dissemination and community implementation of pivotal response treatment program description and preliminary data. *Research and Practice for Persons with Severe Disabilities*, 32(2), 142-153.
- Carla, O. (2002). *Group methods of increasing selfesteem in learning disabled students*. Unpublished doctoral dissertation, Salisbury University. United State Maryland
- Curtis, G., & Elliott, M. (2008). *Social self-evaluation and Social problem-solving skills in Learning-disabled and non-learning-disabled males*. Unpublished doctoral Dissertation, Ball State University.
- Dabrowska, A., & Pisula, E. (2010). Parenting stress and coping styles in mothers and fathers of pre-school children with autism and Down syndrome. *Journal of Intellectual Disability Research*, 54 (3), 66-80.
- Dadsetan, P., Ahmaidi Azghandi, A., Hasanabadi, H.R. (2006). Parenting stress and general Health: A research on the relation between parenting stress and general health among housewife mothers and nurse- mother with young children. *Developmental Psychology*, 7(2), 171-184. (Persian).
- Dagley, J. C, Campbell, L. F, Kulic, K. R & Dagley, P. L, (2008). "Identification of Subscales and Analysis of Reliability of an Encouragement Scale for Children," *The Journal of Individual Psychology*. 55 (3), 355-364.

- Dempsey, I. & Keen, D. (2008). A review of processes and outcomes in family-centered Services for children with a disability. *Topics in Early Childhood Special Education*, 2 (1), 42-52.
- Dempsey, I., Keen, D., Pennell, D., O'Reilly, J., & Neilands, J. (2009). Parent stress, parenting competence and family-centered support to young children with an intellectual or developmental disability. *Research in Developmental Disabilities*, 30(3), 58-66.
- Denham, S. A. & Almeida, M.C. (1987). Children's social problem-solving skills, behavioral Adjustment, and interventions: a meta-analysis evaluating theory and practice. *Journal of applied developmental psychology*, 8(4), 391-409.
- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. (2013). Fifth Edition.
- Evans, M. E., Boothroyd, R. A., Armstrong, M. I., Greenbaum, P. E., Brown, E.C., & Kuppinger, A. D. (2003). An experimental study of the effectiveness of intensive in-home crisis services for children and their families: Program outcomes. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 11, 92-102.
- Freilich, R., Shechtman, Z. (2010). The contribution of art therapy to the social, emotional, And academic Adjustment of children with learning disabilities. *The Arts inPsychotherapy*, 37(2), 97-105.
- Frey, K.S., Nolen, S.B., VanSchoiack Edstrom, L. & Hirschstein, M.K. (2005). Effects of a School-based social-emotional competence program: linking children's goals, attributions, and behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 26(2), 171-200.
- Gavita, O., and Joyce, M. (2008). A review of the effectiveness of group cognitively enhanced behavioral based parent programs designed for reducing disruptive behavior in children. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 8(2), 185-199.
- Hastings, R. P. & Beck, A. (2004). Practitioner review: Stress intervention for parents of children with intellectual disabilities. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 45(8), 1338-1349.
- Jill, P. (2002). *Group activity therapy with learning disabled preadolescents exhibiting Behavior problems*. Unpublished doctoral dissertation, University of North Texas.
- Keshmiri, M. (2009). Compare students' social skills with learning disabilities and normal. *Journal of Exceptional Education*, 9(95, 96), 23-31. (Persian).
- Klassen, R. M., & Lynch, S. L. (2007). Self-efficacy from the perspective of adolescence with Learning disabilities and their specialist teachers. *Journal of Learning Disability*, 40, 494-507.
- Kopp, R. (2007). "Resolving Power Struggles in love and marriage". *Journal of Individual Psychology*, 63(4), 345 -68.
- Latifi, Z., Amiri, SH., Malekpour, M. & Molavi, H. (2009). The Effectiveness of Training Social-Cognitive-Problem-Solving on Improvement of Interpersonal Relationships, Change in Social Behavior and Self-Efficacy in Students with Learning Disabilities *Advances in Cognitive Science*, 11,3, 70-84. (Persian).

- Lemisch, L., & scott. (2008). *The effectiveness of a social cognitive problem-solving training Program for children who have a learning disability*. Unpublished doctoral Dissertation, Temple University.
- Liz Hartz, A & Lynette Thick, S. (2011). "Art Therapy Strategies to Raise Self- Esteem in Female Juvenile Offenders: A Comparison of Art Psychotherapy and Art as Therapy Approaches," *Art Therapy: Journal of the American Art Therapy Association*, 22(2), 70-80.
- Mandani, B., Sazmand, A.H., Farahbod, M., Karimloo, M. & Mandani, M. (2007). investigation of occupational therapy interventions effect on the visual-motor skill in children with learning disorders. *Quarterly Journal of Rehabilitation*, 8(2), 44-49. (Persian).
- Matson, J. L., Rotatori, A. F., & Helsel, W. J. (1983). Development of a rating scale to Measure social skills in children: The matson evaluation of social skills with youngsters (MESSY). *Behavior research and therapy*, 21, 4, 335-340.
- Moll, K., Kunze, S., Neuhoff, N., Bruder, J., Schulte-Korne, G. (2014). Specific Learning Disorder: Prevalence and Gender Differences. *PLoS One*, 9(7), 1-8.
- Pourabdol, S., Sobhi –Gharamaleki, N., Abbasi, M. (2015). A comparison of academic procrastination and academic vitality in students with and without specific learning disorder. *Journal of Learning Disabilities*, 4(3), 121-127. (Persian).
- Rabiner, C.D. (2002). Stress and Coping in parents of children with ADHD. Attention Research Update. Available online at: [http:// www.helpforadd.com](http://www.helpforadd.com).
- Reiff, H. B. (1990). Cognitive correlates of social perception in students with learning Disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 23, 260-262.
- Ruble, L., & Akshoomoff, N. (2010). Autism spectrum disorders: Intervention options for parents and educators. *National Association of School Psychologists*, 38(5), 1- 6.
- Sanders, M.R. (2005). Triple P: A multi-level system of parenting intervention: workshop participant notes. *The University of Queensland: Australia, Brisbane*.
- Schopler, E. & Mesibov, G.B. (1984). Helping Autistic Children through Their Parents. *The TEACCH Model*, 65-81.
- Shahrakipoor, H., Karimzadeh, S. & Keramati, M. (2009). Analyzing the effect of Educating family life on decreasing the stress of mothers with learning, reading and writing disorder. *New ideas in training sciences*, (39)4, 47- 63. (Persian).
- Shahym S, (2003). Social skills and behavior problems in comparing two groups of normal children with learning problems at home and school. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 33 (1), 121138. (Persian).
- Sideridis, G. D. (2007). International approaches to learning disabilities: More alike or more different. *Learning Disabilities Research Practice*, 22, 210–215.
- Singer GH. (2006). Meta-analysis of comparative studies of depression developmental disabilities. *American Journal of Mental Retardation*, 111(3), 69-155.
- Singer, G. & Aldana, S. (2007). Primary And Secondary Effect of Parenting and Stress Management of Children With Developmental Disabilities: A Meta-Analysis. *Journal of Mental Retardation and Developmental Disabilities*, 13.

- Soleymani, E., Zahed Babolan, A., Farzaneh, J., Setoudeh, M.B. (2011). A comparison of alexithymia and the social skills in students with and without learning disorders. *Journal of Learning Disabilities*, 1(1), 78-93. (Persian).
- Spijkers W, Jansen D, Meer G, Reijneveld S. (2010). Effectiveness of a parenting programme in a public health setting: a randomized controlled trial of the positive parenting programmer (Triple P) level 3 versus care as usual provided by the preventive child healthcare (PCH). *BMC Public Health*, 10, 131.
- Stura, *Stress or a new illness of civilization*. Translated by Parirokh Dadsetan. Tehran; Roshd Publication, 1997. (Persian).
- Wiener, J. (2004). Do peer relationships foster behavioral adjustment in children with? Learning disabilities? *Learning Disability Quarterly*, 27(8), 21-30.
- Yousefi, F. & Kheir, M. (2002). Evaluate the reliability and validity of a scale to measure social Skills Matson and compare the performance of girls and boys in this scale. *Journal of Social Sciences and Humanities University of Shiraz*, 2, 147-58. (Persian).
- Zare Bahramabadi, M., Ganji, K. (2014). The study of prevalence of attention deficit / Hyperactivity disorder (ADHD) and it's comorbidity with learning disorder (LD) in primary school's students. *Journal of Learning Disabilit*, 3(4), 143-150. (Persian).